

رشد، شرایط اولیه، قانون و سرعت خصوصی سازی در کشورهای در حال گذار: ۱۱ سال بعد*

جوزف استیگلیتز، سرجیو گودوی؛ ترجمهٔ محمدرضا فرهادی پور*

چکیده

این مقاله فرضیات جایگزین درباره عوامل تعیین کننده موفقیت در گذار از نظام کمونیست به نظام بازار را آزمون می‌کند. فرضیه اصلی مقاله حاضر این است، که آیا سرعت خصوصی سازی، نهادهای قانونی یا شرایط اولیه، در توضیح رشد کشورهای در حال گذار در سال‌های پایانی جنگ سرد، اهمیت دارد؟ در اواسط دهه ۹۰ میلادی مطالعات کاربردی فراوانی سعی در نشان دادن رابطه میان رشد و معیارهای سیاستی داشتند. نتیجه معمول این مطالعات این بود که کشورهایی که خصوصی سازی و آزادسازی را سریع تر انجام داده‌اند، در وضعیت بهتری به سر می‌برند. اکنون این مقاله با دسترسی به اطلاعات بیشتر، به آزمون نتایج مطالعات پیشین می‌پردازد، آیا هنوز بعد از گذشت ۶ سال نتایج این مطالعات معتبر هستند؟ به عبارت دیگر، بیشتر مطالعات اولیه، به دلایلی همچون بحث ناکافی در مورد مسئله درون‌زایی، یکسان دانستن مفاهیم سرعت و سطح خصوصی سازی و عدم مواجهه با مسائل هم‌خطی بین متغیرهای

1. Growth, Initial Conditions, Law and Speed of Privatization in Transition Countries: 11 Years Later
2. Sergio Godoy and Joseph E. Stiglitz

توضیحی، خدشه‌دار بودند. نتایج این مطالعه، نشان می‌دهد، که سرعت خصوصی‌سازی با رشد رابطه منفی دارد، و نهادهای قانونی نقش مهمی در فرآیند گذار از کمونیست به بازار برعهده خواهند داشت.

مقدمه

پایان دوره کمونیست، بدبینی زیادی نسبت به امکانات رشد اقتصادی آن دست از کشورهایی ایجاد کرد که اکنون به اقتصادهای در حال گذار مشهور شده‌اند. در این کشورها نظام بازار جایگزین سیستم ناکارا، همراه با اختلالات فراوان و بدون انگیزه‌های کافی نظام پیشین شد. به آنها وعده داده شده بود، که خصوصی‌سازی، آزادسازی و تمرکززدایی، رونق بی‌سابقه‌ای را برای آنها به ارمغان خواهند آورد. یقیناً نگرانی‌هایی در مورد رکود کوتاه‌مدت دوره گذار وجود داشت، اما تصور این بود که تنها مسئله اصلی گذار از نظام پیشین است.

در این راستا دو مکتب فکری توسعه یافتند، طرفداران سیاست شوک درمانی و حامیان سیاست تغییر تدریجی. شوک درمانی به سیاست‌هایی اشاره دارد که سعی در کاهش تورم شدیدی داشتند که گریبان‌گیر بسیاری از کشورها شده بود (به ویژه بعد از این که آنها شوک آزادسازی را به اقتصاد خود وارد کردند) و نیز سیاست‌هایی که سعی در تغییر سریع ساختار اقتصادی از طریق خصوصی‌سازی و آزادسازی داشتند. برای مثال، لهستان، شوک درمانی را برای تحت کنترل قرار دادن تورم به کار گرفت (گرچه تورم سریعاً به سطوح تک رقمی کاهش نیافت)، اما استراتژی تدریج‌گرایی را برای خصوصی‌سازی در پیش گرفت. در طبقه‌بندی ما، لهستان تدریج‌گرا است.

مکتب شوک درمانی اعتقاد داشت، این کشورها سریعاً به یک ساختار اقتصادی شبیه به اقتصادهای بازار دست می‌یابند، و مردم در زندگی خود از آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود و در عین حال بهترین روش برای انجام این کار را، آزادسازی و خصوصی‌سازی با سرعت هر چه ممکن می‌دانست که در این صورت کشور سریع‌تر قادر به دست‌یابی به فرصت‌های رشدی خواهد بود که به وسیله بازار تهیه می‌شود. این مکتب به تأکید بر اهمیت نهادها، شامل زیرساخت‌های مالی و قانونی، چندان علاقه‌مند نبود، با حتی به مباحثه در مورد اینکه بهترین روش دست‌یابی به نهادهای ضروری به

منظور خصوصی سازی سریع تر، در جهت ایجاد تقاضای اقتصادی و سیاسی برای این نهادها چیست، تمایل نداشت.

از سوی دیگر تدریج گرایان نگران بودند، که بدون زیرساخت های نهادی، که تنها در گذر زمان ایجاد خواهند شد، خصوصی سازی ممکن است، به جای تولید ثروت به نابودی دارایی ها بینجامد. تدریج گرایان همچنین نگران بودند که نه تنها انحصارها پویایی های اقتصادی را از پایه ویران خواهند کرد، بلکه ممکن است، ثروت ها نیز برای پیشرفت نهادهای سیاسی و سیاست های حافظ وضع موجود و واپس گرا به کار گرفته شوند. براساس نظرات این گروه لازم بود، که فروش دارایی های دولت آرام تر صورت گیرد و اقتصاد به تدریج آزادسازی شود. امروزه، اطلاعات مربوط به اقتصادهایی که شوک درمانی را سرلوحه کار خود قرار داده اند، آمیزه ای از شرایط خوب و بد را نشان می دهد؛ و چندین کشور نیز یک عملکرد رشد نامطلوبی را نشان داده اند (نگاه کنید به جدول A1 در ضمیمه A).

موفق ترین اقتصادهای در حال گذار چین و ویتنام، هر دو از سیاست های تدریج گرایان پیروی کردند. برخی معتقدند که، برای مثال، چین و ویتنام به دلیل توسعه کمتر دارای مزیت بودند. اما به طور عام، کشورهایی با حداقل توسعه یافتگی، در سال های آخر قرن بیستم عملکرد خوبی نداشتند، و روشن نبود، که چرا ترکیب دو مسئله دشوار، توسعه و گذار، باید شرایط زندگی را در چین و ویتنام بهبود می بخشید. علاوه بر این کشورهای اتحاد شوروی سابق مانند جمهوری قرقیزستان، که در حداقل توسعه یافتگی بودند، عملکرد اقتصادی مناسبی نداشتند. از این گذشته، جوانب متفاوت شرایط اولیه - شرایط اولیه نهادی و شرایط نهادهای اقتصادی - ممکن است بر تفاوت موفقیت ها اثرگذار باشند. برخی اقتصاددانان (بلانچارد، ۱۹۹۷) اعتقاد دارند که فرآیند گذار از اقتصادهای کشاورزی آسان تر از اقتصادهای صنعتی است، به دلیل اینکه میزان پیچیدگی و همبستگی متقابل نهادهای موجود در این اقتصادها بسیار پایین است. مجدداً، شواهد تجربی در تأیید این فرضیه ناتوان است: بخش کشاورزی در بسیاری از کشورها از جمله روسیه افت بیشتری را نشان دادند و مولداوی، یک کشور با بخش کشاورزی بزرگتر، بدترین عملکرد را داشته است.

در اواسط دهه نود، مطالعاتی از این دست، با حمایت از «سرعت گرایی» سعی نمودند تا اهمیت نسبی سیاست ها و شرایط اولیه را در تعیین موفقیت دوران گذار را

اولویت‌بندی نمایند. نتیجه معمول بسیاری از این مطالعات این بود، که به‌ویژه، سیاست‌های، خصوصی‌سازی و آزادسازی سریع و ترکیب شده با ثبات کلان، کلیدی برای موفقیت دوره گذار بودند و این نتایج با مدل‌های اقتصادسنجی نیز مورد تأیید قرار می‌گرفت.

اما همان‌طور که در فاصله‌ها ممکن است لاک‌پشت، خرگوش را پشت‌سر گذارد کشورهای شبه‌لهستان و اسلوونی که سیاست‌های تدریج‌گرایان را دنبال کردند، نسبت به کشورهایی که سیاست‌های مکتب شوک درمانی را به‌کار بستند، موفق‌تر بودند. حتی ممکن است در برخی موارد آنها در خصوصی‌سازی و آزادسازی نیز پیشتر پیشرفت کرده باشند. با اطلاعات بیش از پنج سال - دو برابر دوره زمانی مطالعات اولیه - ما سرانجام می‌توانیم این سؤال را مطرح کنیم که آیا سرعت اجرای خصوصی‌سازی و آزادسازی در امر گذار از کمونیست به بازار مؤثر خواهد بود. از میان دو کشور که از سال ۲۰۰۱ بیشترین تعداد شرکت‌های خود را خصوصی‌سازی کرده‌اند، آیا کشوری که خصوصی‌سازی را سریع‌تر انجام داده، نسبت به کشوری که خصوصی‌سازی را تدریجاً انجام داده، نتیجه بهتری به‌دست آورده است؟ نتایج نشان می‌دهند که شوک درمانی سودمند نبوده است.

در پاسخ به سؤال بالا، علاوه‌بر ملحوظ داشتن نقش نسبی شرایط اولیه، سیاست‌ها و نهادها، باید این نکته را مد نظر قرار دهیم که، تحلیل مقطعی در بهترین حالت تنها می‌تواند وسوسه‌انگیز باشد. مجموعه‌ای کاملی از اطلاعات در اختیار ما نیست که ما را برای مثال، در مقداری کردن اهمیت همه شرایط اولیه مربوط توانمند سازد، که این مجموعه مقداری شده نه‌تنها در بردارنده سطح درآمد سرانه (یک معیار توسعه) و ساختار اقتصادی (برای مثال، سهم اقتصاد در کشاورزی، سهم تولید در کالاهایی که به‌آسانی در بازار بین‌المللی مورد دادوستد قرار می‌گیرند) باشد، بلکه همچنین مالیات ضمنی یا سوسید وضع شده توسط [برای مثال] روسیه بر دیگر کشورها (وقتی قیمت‌های دریافتی آنها برای فروش کمتر از قیمت‌های بین‌المللی بودند، یا قیمت‌های پرداختی آنها برای مثال، برای نفت کمتر از قیمت‌های بین‌المللی بودند)، یا میزان وابستگی به روسیه را (تعیین اینکه تا چه اندازه رکود کشورها مربوط به رکود اقتصاد روسیه بود) دربرگیرد.

کشورهایی که به اروپای غربی نزدیک تر بودند، نه تنها دسترسی بیشتری به بازارهای اروپای غربی داشتند، بلکه بیشتر تحت تأثیر عقاید اروپای غربی قرار گرفتند. علاوه بر این، با این همه متغیر و فقط تعداد محدودی کشور، به سادگی نمی توانیم، نقش نسبی ایفا شده توسط هر عامل را اولویت بندی نماییم. هم خطی بالای میان متغیرهای توضیحی اوضاع را وخیم تر می سازد. یادآوری می کنیم، که کشورهای اروپای غربی از یک مزیت جغرافیایی و تفاوت در پیشینه تاریخی برخوردارند. به عبارت دیگر، شانس دسترسی اروپای غربی، به برخی تمایزها این منطقه را برای تغییرات نهادی سریع تر آماده کرد، به عبارت دیگر سیاست ها و نهادها ممکن است درونزا باشند.

بیشتر مطالعات اولیه نه تنها از مسئله درون زایی چشم پوشی کرده اند و به میزان کافی به هم خطی میان متغیرهای توضیحی توجهی نکرده اند، بلکه همچنین نهادها و شرایط اولیه اقتصادی را با هم در یک شاخص ساده جمع کرده اند. مقاله حاضر مربوط به مطالعات تجربی مقطعی رشد کشورهای در حال گذار (۲۳ کشور، آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، استونی، گرجستان، مجارستان، قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، لیتوانی، لاتویا، مقدونیه، مولداوی، لهستان، رومانی، روسیه، جمهوری اسلواکی، اسلوانی، اکراین و ازبکستان) است و سعی می کند تا نقش های زیر را اولویت بندی کند:

- الف) سیاست ها، به ویژه، آزادسازی و خصوصی سازی و سرعت اجرای آنها (شامل متغیرهای ابزاری مورد استفاده برای تصحیح درون زایی شاخص های سیاستی)؛
- ب) شرایط اولیه به عنوان یک بار به جامانده از دوره کمونیست؛
- ج) نهادها، به ویژه، نهادهای قانونی.

نتیجه گیری

در اواسط دهه نود، یک سری مطالعات کاربردی رشد با هدف حمایت از دیدگاه «سرعت گرایی در اجرای سیاست های خصوصی سازی و آزادسازی» آغاز شد. این مطالعات مدعی بودند که بر اساس شواهد موجود آزادسازی و خصوصی سازی سریع تر کشورهای در حال گذار، رشد آنها را افزایش خواهد داد. این نتایج با مدل های اقتصادسنجی نیز مورد تأیید قرار می گرفت.

مقاله اخیر مدعی است که نخست، ادعای بالا به نقش شرایط اولیه توجهی نداشته است. دوم، سؤالات مهمی در مورد برون‌زایی سیاست‌ها مطرح شد. سوم، تفاوت‌های نهادی نیز می‌توانستند نقش مهمی در توضیح عملکرد رشد ناموزون کشورهای در حال گذار ایفا کنند. چهارم، این مطالعات به‌طور صحیح و درست معیاری برای متغیر سرعت (خصوصی‌سازی) به‌کار نمی‌بردند.

نتایج این مقاله می‌تواند به‌صورت زیر خلاصه شوند:

اول، جالب‌توجه‌ترین نتیجه (گرچه شاید تعجب‌آور نباشد) اهمیت توانایی معیار نهادی است.

دوم، مطمئناً جدال‌انگیزترین نتیجه مقاله حاضر این است که سرعت خصوصی‌سازی بر رشد اثر منفی می‌گذارد، به عبارت دیگر نظریه تدریج‌گرایان در مقابل طرفداران شوک درمانی تأیید می‌شود.

سوم، شرایط اولیه یک اثر بی‌معنی بر رشد مقطعی دارند.

یک توضیح برای بی‌معنایی شرایط اولیه (که مطالعات قبلی بر آن تأکید کرده‌اند) این است که ما باید یک‌سری زمانی بلندمدت‌تر از اطلاعات را مورد استفاده قرار دهیم.

روشی که توسط دولت برای خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی انتخاب می‌شود یک تصمیم سیاسی مهم است، که اساساً در میان کشورهای در حال گذار متفاوت بوده است. هر کشور به‌طور مشخص ترکیبی متفاوت از روش‌های سه‌گانه خصوصی‌سازی را به‌کار می‌برد: فروش مستقیم (گاهی اوقات به خارجیان)، برنامه خصوصی‌سازی انبوه (اغلب از طریق کوپن‌ها) و خرید توسط مدیران و کارکنان. این انتخاب‌ها یقیناً بر ساختار مالکیت، حکمرانی شرکتی و فرآیند تجدید ساختار شرکت‌های خصوصی‌سازی شده اثرگذار خواهند بود و تأثیر خصوصی‌سازی (شامل سرعت خصوصی‌سازی) به یقین به شکل خصوصی‌سازی بستگی دارد.

سیاست‌های رقابتی و تنظیمی (مقرراتی) سیاست‌های مهم دیگری هستند که به تعیین چگونگی تأثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد رشد کشور کمک می‌کنند. کشوری که همزمان خصوصی‌سازی کرده و یک چهارچوب قانونی قوی را تثبیت و رقابت و آزادی را تقویت می‌کند، پتانسیل رشد بالاتری نسبت به کشوری دارد که تنها خصوصی‌سازی کرده اما محیط تجارت سنتی خود را تغییر نداده است. استیلگیتز در

سال ۲۰۰۰ تأکید می کند، که چهارچوب قانونی، حکمرانی شرکتی را به عنوان متغیر تعیین کننده موفقیت در فرآیند خصوصی سازی، تحت تأثیر قرار می دهد. سیاست های تأثیرگذار بر توسعه بخش مالی، نیز دارای اهمیت فراوانی می باشند، نه تنها در تعیین رشد همه جانبه، بلکه در موفقیت خصوصی سازی نیز توسعه بخش مالی اهمیت دارد. بدون دسترسی به تأمین مالی، کسانی که دارایی های خصوصی سازی شده را به دست آورده اند، بیشتر شبیه کسانی اند که دارایی های بی ارزش و نابود شده سفارش داده اند. اما توسعه بخش مالی ممکن است برای خصوصی سازی همانند متغیری برونزا باشد (هم اندازه خصوصی سازی و هم شکل آن).

ضمائم

۲. مرور ادبیات موضوع

۱-۲. سیاست های آزادسازی

نخستین بار دی ملو، دینایزر و گلب در سال ۱۹۹۶ روابط مثبت میان شاخص های آزادسازی و رشد اقتصادی را برای ۲۶ کشور در حال گذار شناسایی کردند. این شاخص یک متوسط وزنی از آزادسازی در سه منطقه بازارهای داخلی، بازارهای خارجی و ورود بخش خصوصی است. تحقیق آنها نشان داد که شاخص آزادسازی یک اثر مثبت معنادار بر متوسط رشد در دوره ۱۹۸۹-۱۹۹۴ داشته است.

متعاقباً اسلوسکی و مارتین در سال ۱۹۹۷ شاخص های دی ملو، دینایزر و گلب را برای داده های گروهی ۲۵ اقتصاد در حال گذار مورد استفاده قرار دادند. آنها سعی در تعدیل نرخ های رشد تحت گزارش و برای کنترل جنگ از یک متغیر دامی جنگ استفاده کردند و همچنین نتایجی مشابه دی ملو، دینایزر و گلب به دست آوردند. ساچز در سال ۱۹۹۶ یک تحلیل رگرسیونی مشابه برای متوسط نرخ رشد ۱۹۸۹-۱۹۹۵، بدون کنترل هیچ متغیر دیگری برآورد کرد و یک رابطه مثبت مشابه به دست آورد.

فیشر، ساها و وگ (a1۹۹۶ و b1۹۹۶) یک حداقل مربع معمولی را برای داده های گروهی ۲۵ کشور در حال گذار با استفاده از متوسط رشد دوره ۱۹۹۲-۱۹۹۴ و شاخص های آزادسازی دی ملو، دینایزر و گلب تخمین زدند. در هر دو مورد، آنها یک رابطه مثبت میان رشد و سیاست های آزادسازی یافتند.

اوسلاند، بون و جانسون در سال ۱۹۹۶ نیز شاخص تجمعی آزادسازی را برای توضیح منطقی نرخ رشد تجمعی ۱۹۸۹-۱۹۹۵، در میان ۲۴ کشور در حال گذار مورد استفاده قرار دادند. به علاوه، آنها یک متغیر مجازی برای منطقه روبل و کشورهای در جنگ وارد مدل کردند. با افزودن این متغیرها به رگرسیون، اثر CLI ناپدید شد. فیدرمو در سال ۲۰۰۱ اشاره کرده است، که این نویسندگان اهمیت این متغیرها را به عنوان میراث منفی مشخص به جامانده از دوره کمونیزم تفسیر کردند. در این حالت، میراث کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق نسبت به کشورهای اروپای شرقی بدتر بود.

۲-۲. نقش شرایط اولیه و متغیرهای ابزاری

متغیرهای شرایط اولیه مورد استفاده در مطالعات مربوطه به شرح زیر می باشند:

۱. موقعیت (با استفاده از یک متغیر دومی و نه فاصله از یک مکان، بلکه معمولاً بعضی شهرهای اروپای غربی اندازه گیری شده است، نگاه کنید به فیدرمو (۲۰۰۱)).
 ۲. نرخ‌های رشد فلی اقتصادی.
 ۳. متغیر گروهی برای متفاوت کردن دولت‌هایی که قبل از ۱۹۸۹ مستقل بوده یا نبودند.
 ۴. ثروتمندی منابع طبیعی.
 ۵. صنعتی شدن بیش از اندازه.
 ۶. شهرنشینی.
 ۷. درآمد سرانه ۱۹۸۹ بر حسب PPP.
 ۸. تورم مهار شده.
 ۹. استقلال تجاری در میان منطقه کمونیست.
 ۱۰. پاداش نرخ ارز بازار سیاه.
 ۱۱. تعداد سال‌های دوران کمونیسم.
- دی ملو (۱۹۹۷) یک تحلیل جامع از تأثیر شرایط اولیه بر رشد در ۲۸ کشور در حال گذار تهیه کرد. براساس رگرسیون رشد داده‌های مقطعی، آنها به این نتیجه رسیدند که هم سیاست‌های آزادسازی و شرایط اولیه برای توضیح رشد مهم هستند.

پوپوف (۲۰۰۰) چندین رگرسیون را برای نرخ‌های رشد سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۶ و ۱۹۹۰-۱۹۹۸ برای یک دوره مقطعی از ۲۸ کشور در حال گذار به کار برد، یک متغیر دامی اتحاد شوروی سابق (FSU)، یک متغیر دامی جنگ، تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP)، سرانه براساس برابری قدرت خرید ۱۹۸۷ و لگاریتم متوسط تورم را وارد مدل کرد. او دریافت که CLI برای هر دو مورد نرخ‌های رشد بی‌معناست. در مرحله دوم او متغیر دامی اتحاد شوروی سابق را با کاهش درآمدهای دولت به‌عنوان درصدی از GDP و اقتصاد سایه (زیرزمینی) را به‌عنوان درصدی از GDP در سال ۱۹۹۴ جایگزین کرد، یافته‌های او مجدداً مبنی بر بی‌معنی بودن CLI بودند. سرانجام و مهم‌تر از همه برای مقاله ما، او معیار حاکمیت قانون را وارد مدل کرد، که در نهایت با معنی بود.

هابی و مورل (۱۹۹۹) نیز شاخص‌های آزادسازی درون‌زا را ساختند. آنها یک رگرسیون حداقل مربعات سه مرحله‌ای بر نرخ رشد برای ۲۶ کشور در حال گذار تخمین زدند و دریافتند که شرایط اولیه کشورها در دوران گذار مهم هستند، اما ضریب سرعت آزادسازی و ضریب سطح سیاست معنادار نیستند. نتیجه مهم این مطالعه این بود که:

سرعت اصلاح ممکن است منفی درون‌زا باشد.

۲-۲. نقش نهادها

تا همین اواخر، توانایی نهادهای قانونی به‌عنوان متغیر توضیح‌دهنده ممکن برای عملکرد متفاوت رشد، در مطالعات کاربردی کشورهای در حال گذار به وضوح مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفت، احتمالاً به دلیل کمبود اطلاعات برای نیمه اول دهه اخیر. از سال ۱۹۹۷ چندین سازمان شروع به جمع‌آوری اطلاعات (آمار) کردند.

برونتی، کیسانکو و ودر (۱۹۹۷) اولین کسانی بودند که برای تخمین رگرسیون OLS از متغیرهای نهادی سیاسی و قانونی به‌عنوان متغیرهای توضیحی استفاده کردند. آنها فقط متغیرهای مربوط به ۲۰ کشور در حال گذار را بررسی کردند و رگرسیون را با نرخ‌های رشد سرانه ۱۹۹۰-۱۹۹۵ برای کشورها به‌عنوان متغیرهای وابسته تخمین زدند. آنها دریافتند که این معیارهای نهادی آثار مثبتی بر رشد مقطعی دارند. علاوه بر

ین، آنها متغیرهای ابزاری را برای تصحیح برخی مسائل درون‌زایی معیارهای نهادی به‌کار بردند و نشان دادند که نتایج ایستا هستند.

مورس (۱۹۹۹) و گروگان و مورس (۲۰۰۱) چهار رگرسیون رشد مقطعی را برای ۲۵ کشور در حال گذار در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۵ با استفاده از چهار معیار نهادی و دو متغیر کنترل (تورم و دامی جنگ) تخمین زدند. آنها دریافتند که در همه موارد این معیارها ارتباط مثبتی با رشد دارند اما این ارتباط خیلی معنادار نیست.

هاوریلین و رودن (۲۰۰۰) همان جدول داده‌های دی ملو (۱۹۹۷) را (اما) برای ۲۵ کشور در حال گذار تخمین زدند. آنها معیارهای شرایط اولیه و شاخص‌های زادسازی را به‌کار بردند. با این حال، آنها نرخ تورم و مهم‌تر از آن متغیرهای نهادی را نیز در مدل وارد کردند. به‌علاوه، آنها متغیرهای سیاسی و نهادی را از هم جدا کردند. تنها یک رابطه مثبت معنادار میان رشد و اجزای اصلی متغیرهای نهادی پیدا کردند؛ این رابطه به‌ویژه برای متغیرهای قانونی قوی‌تر بود.

استیگلیتز (۲۰۰۱) کوشش دیگری برای دخیل کردن یک متغیر نهادی جهت تفسیر رشد مقطعی در میان کشورهای در حال گذار انجام داد. او یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی با نرخ‌های رشد ۱۹۹۰-۱۹۹۸ از ۲۵ کشور در حال گذار تخمین زد. متغیرهای توضیحی شاخص EBRD ۱۹۹۷ خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی با قیاس بزرگ و کوچک (معیار سیاستی)، شاخص EBRD ۱۹۹۷ حکمرانی و تجدید ساختار (معیار نهادی) و یک متغیر که معیار اثر متقابل دو متغیر پیشین بود. او دریافت که شاخص خصوصی‌سازی معنادار نیست اما شاخص حکمرانی و تجدید ساختار و متغیر اثر متقابل بسیار معنادار می‌باشند (۲۰).

تعریف داده‌ها

در این قسمت متغیرهای مورد استفاده در این مقاله را تعریف می‌کنیم. جداول ضمیمه A به‌طور کامل داده‌های مورد استفاده در این مقاله را نشان می‌دهند. ما نرخ رشد کل برای ۲۳ کشور در حال گذار را به‌عنوان متغیر وابسته به‌کار می‌بریم. علی‌رغم آن حقیقت که این نمونه کوچک به‌نظر می‌آید، کاربرد این نوع نمونه کوچک در این مطالعات رایج است. به دلیل نوسان تقریباً زیاد نرخ رشد کشورهای در حال گذار، امید تناسبی عوامل بحرانی تعیین‌کننده رشد وجود دارد. معذک، تعداد کم کشورها و

تعداد زیاد متغیرهای توضیحی ممکن به این مطلب اشاره دارند که ارائه تعریف دقیقی از اهمیت نسبی متغیرهای مختلف به آسانی امکان پذیر نیست.

ما توانایی نهادهای قانونی را با استفاده از داده‌های یک پژوهش انجام شده توسط بانک جهانی و بانک ترمیم و توسعه اروپا اندازه‌گیری می‌کنیم. آنها بیش از ۴۰۰۰ شرکت را در ۲۳ کشور در حال گذار را با چندین معیار مانند محیط تجاری، فساد و سیستم قانونی مورد پژوهش قرار داده‌اند.

اثر سیاست بر رشد توسط دو متغیر متفاوت مقداری شده است. به منظور اندازه‌گیری اثر سرعت سیاستی ما تفاوت مطلق شاخص‌های خصوصی‌سازی مقیاس بزرگ و مقیاس کوچک ۱۹۹۱ و ۲۰۰۰ بانک ترمیم و توسعه اروپا را مورد استفاده قرار می‌دهیم (به جدول ۱: پانل ۱ نگاه کنید). اثر سطح سیاست توسط مشاهده همان شاخص در سال ۲۰۰۰ محاسبه شده است.

شرایط اولیه با استفاده از مشاهدات متغیرهای نهادی برای کشورهای اروپای شرقی و مشاهدات ۱۹۹۱ برای کشورهای اتحاد جماهیر شوروی از کمپوس (۱۹۹۹) محاسبه شده است. جدول ۱: پانل ۲ ماهیت این داده‌ها را توضیح می‌دهد. ما مشاهدات ۱۹۹۱ را برای جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق به کار می‌بریم، به دلیل اینکه گذار واقعی تقریباً از آن سال شروع شد. در مورد کشورهای اروپای شرقی گذار بعد از سقوط دیوار برلین که در ۱۹۸۹، شروع شد.

جدول (۲) نشان می‌دهد که اولین جزء اصلی شدیداً با هر یک از این متغیرها همبستگی دارد. به علاوه، این جزء منناظر با شرایط اولیه است و بنابراین، علامت مورد انتظار آن در رگرسیون‌های رشد مثبت است (هرچه رتبه این شاخص‌ها بالاتر، نهادها بهتر).

سرانجام، جدول ۱: پانل ۳ جزئیات متغیرهای ابزاری مورد استفاده در رگرسیون‌های حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای را نشان می‌دهد. این متغیرهای ابزاری براساس دو ضابطه اقتصادسنجی ستی مورد استفاده برای انتخاب متغیرهای ابزاری انتخاب شده‌اند. اول، متغیری که برای سال‌های تحت حاکمیت کمونیست محاسبه شده، منعکس‌کننده این حقیقت است که کشورهای اروپای شرقی دوره نسبتاً کوتاه‌تری از

کشورهای اتحاد جماهیر شوروی کمونیست بودند؛ پاداش نرخ ارز بازار سیاه منعکس کننده این حقیقت است که، نرخ‌های رسمی کشورهای شرقی به نرخ‌های بازار سیاه نزدیک‌تر بودند. مخارج دفاعی، ساختار صنعتی و اختلالات تجاری برای کشورهای اروپای شرقی کمتر از متوسط جمهوری‌های اتحاد شوروی هستند. ضابطه مهم دیگر برای انتخاب متغیرهای ابزاری این است که این متغیرهای ابزاری، شبیه متغیرهای وابسته، در رگرسیون‌های رشد برون‌زا هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

جدول (۱) توصیف داده‌ها

داده‌های رگرسیون: پانل ۱		
متغیر	تعریف	منبع
(رشد) Growth	لگاریتم نسبت GDP ۲۰۰۱ و GDP ۱۹۸۱	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای بازسازی مشترک اروپا
Enf	نسبت شرکت‌هایی که در کشورهای نمونه در سال ۱۹۹۷ با سؤال زیر موافق بودند: با چه درجه‌ای شما موافق هستید که سیستم قانونی، حقوق مالکیت و قرارداد را تقویت خواهد کرد.	بررسی محیط تجاری و عملکرد بنگاه، بانک جهانی و بانک اروپا برای تجدید ساختار و توسعه (EBRD)
DPOOP 91	یک دهم تفاوت میان متوسط شاخص‌های خصوصی سازی مقیاس بزرگ و کوچک و متوسط همان شاخص‌ها در سال ۱۹۹۹	(EBRD)
Priv100	متوسط شاخص‌های خصوصی سازی مقیاس بزرگ و کوچک ۲۰۰۰	(EBRD)
PCIinst	اولین جزء اصلی شرایط نهادی اولیه	بر اساس متغیرهای به دست آمده از کمپوس (۱۹۹۹)
شرایط نهادی اولیه: پانل ۲		
Transca 8991	شاخص از صفر تا ۱۰ در معیار شفافیت سپاسگذاری و پاسخگویی مدیریت اجرایی	کمپوس (۱۹۹۹)
Rullaw 8991	شاخص از صفر تا ۱۰ در معیار کیفیت الزام به اجرای قانون و جوهر قانون	کمپوس (۱۹۹۹)
Burogual 8991	شاخص از صفر تا ۱۰ کیفیت بوروکراسی محلی	کمپوس (۱۹۹۹)
Civsc0 8991	شاخص از صفر تا ۱۰، آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی و تأثیرپذیری از سازمان‌های مدنی	کمپوس (۱۹۹۹)
متغیرهای ابزاری: پانل ۳		
Years (سال‌ها)	سال‌های تحت قانون کمونیت	دی ملو (۱۹۹۷)
Blkpr	درصد تفاوت بین نرخ ارز بازار سیاه و بازار رسمی در سال ۱۹۹۰	دی ملو (۱۹۹۷)
Deft	نسبت هزینه‌های دفاعی (نظامی) به GDP بعد از دهه ۱۹۸۰	
Indst	مجموع ارزش مطلق انحراف در سهم GDP هر سه بخش (کشاورزی، صنعت، خدمات) از سطح نرمال بعد از دهه ۱۹۸۰.	پوپوف (۲۰۰۰)
	نرمال به عنوان متوسط گروه اقتصادهای بازار با مقایسه GDP سراجه بر حسب PPP با ارزش سال ۱۹۹۰ تعریف شده بود.	پوپوف (۲۰۰۰)
Trdist	مجموع سه معیار اختلال تجاری که توسط پوپوف (۲۰۰۰) محاسبه شده است، به شرح زیر: بازبودن تجارت، که سهم نرمال تجارت خارجی در GDP (تعریف می‌شود مشابه آنچه قبلاً آمد) نتهای سهم واقعی؛ تجارت خارجی در FSU به عنوان سیستمی از GDP و تجارت خارجی با کشورهای سوسیالیست به عنوان نسبتی از GDP با ارزش سال ۱۹۹۰ است.	پوپوف (۲۰۰۰)

جدول (۲) تحلیل اجزای اصلی
اجزای اصلی شرایط نهادی اولیه

همبستگی	درصد انحراف توضیح داده شده:
1Pc	
Transacc 8991 ۰/۸۰۲۱	1Pc ۰/۴۹۰۸
Rullaw 8991 ۰/۸۸۴۴	2Pc ۰/۲۸۷۴
Burogual 8991 ۰/۶۳۹۸	3Pc ۰/۱۲۰۶
Civsco 8991 ۰/۳۱۱۷	4Pc ۰/۱۰۱۳

۴. تحلیل اقتصادسنجی

۴-۱. رگرسیون حداقل مربعات معمولی

به‌طور خلاصه، اول، همسو با مطالعات پیشین الزام به اجرای حقوق مالکیت یک اثر مثبت و بسیار معنادار بر رشد دارد. دوم، برعکس مطالعات پیشین، به‌طور سیستماتیک سرعت خصوصی‌سازی با سطح آن یکی شده است. سوم، ضریب سطح خصوصی‌سازی مثبت است اما فقط اهمیت چندانی ندارد. سرانجام، شرایط اولیه ده سال بعد از گذار اثر کوچکی بر رشد دارند (۲۹).

جدول (۳) رگرسیون‌های OLS (متغیر وابسته نرخ رشد سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۱)

متغیر	Reg. 1		Reg. 2		Reg. 3		Reg. 4		
	Beta	Tstat	Beta	Tstat	Beta	Tstat	Beta	Tstat	
جزء ثابت	-۰/۹۱	-۵/۵۷	-۰/۷۸	-۲/۱۵	-۱/۰۰	-۲/۲۰	-۱/۳۳	-۳/۴۲	۱
Enf	۱/۴۴	-۴/۲۳			۱/۱۰	۳/۰۱	۱/۱۴	۳/۲۲	۲
DPooP91			-۴/۳۶	-۳/۰۶	-۲/۷۲	-۲/۰۸	-۲/۰	-۲/۳۲	۳
Privioo			۰/۴۲	۲/۹۶	۰/۲۴	۱/۸۱	۰/۲۷	۲/۰۷	۴
PClinst							۰/۰۳	۱/۳۷	۵
R-Squar		٪۴۷۵		٪۳۵۱		٪۵۶۴		٪۶۰۵	۶
R تعدیل شده		٪۴۳/۵		٪۲۸/۶		٪۴۹/۵		٪۵۱/۷	۷
تعداد متغیرها		۲۳		۲۳		۲۳		۲۳	۸

۲-۴. رگرسیون‌های حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای

در این بخش ما یک رویکرد معادله همزمان را به کار می‌بریم. ما مشکوک هستیم که دو معیار سیاستی (سرعت و سطح) برای رشد اقتصادی برون‌زا نیستند (۳۰). یک توضیح این است که در کشورهای موفق امکان حمایت از اصلاحاتی مانند خصوصی سازی وجود دارد و بنابراین آنها قادر به خصوصی سازی سریع تر و بیشتری بوده‌اند (دلیل دیگر این است که کشورهای موفق توانایی استخدام کارشناسان بیشتری در زمینه خصوصی سازی را داشتند تا بتوانند فرآیند خصوصی سازی شان را سریع تر انجام دهند). سرانجام، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، کشورهایی با رشد سریع تر، مالیات‌های بیشتری جمع‌آوری کردند، از این رو می‌توانستند خصوصی سازی را بیشتر و سریع تر و بدون مشکلات بودجه‌ای انجام دهند.

جدول ۴ رگرسیون‌های OLS و TSLS را نشان می‌دهد. در اولین رگرسیون ما فقط الزام به اجرای حقوق مالکیت و متغیرهای سیاستی را وارد مدل کرده‌ایم. تفاوت قابل توجه میان برآورد OLS و TSLS این است که ضریب متغیر سطح خصوصی سازی بی‌معنی است گرچه هنوز دارای علامت مثبت است. علامت و معناداری متغیرهای ضریب الزام به اجرای حقوق مالکیت و سرعت تغییری نگرده‌اند. به علاوه ضریب تعیین (R) همانند قبل هستند. نتایج به دست آمده از بخش پیشین هنوز قابل قبول هستند.

در دومین رگرسیون ما متغیر شرایط نهادی اولیه را به مدل اضافه کردیم. دوباره، تفاوت زیادی میان رگرسیون‌های OLS و TSLS ایجاد نشد. تنها تغییر، کاهش معنادار ضریب سطح خصوصی سازی بود (که حالا فقط در سطح ۱۰ درصد معنادار بود). این رگرسیون این اجازه را به ما داد که نتایج بالا را خلاصه کنیم. اول، در تخمین‌های OLS و TSLS اثر مثبت متغیر حقوق مالکیت بر رشد مقطعی بسیار قوی است. دوم، متغیر سرعت خصوصی سازی دارای علامت منفی است و در حالت رگرسیون حداقل مربعات معمولی دو مرحله‌ای معنادار است. با این حال، مطابق با نتایج ما، سطح سیاست فقط یک اثر نهایی بر رشد دارد. سرانجام، شرایط اولیه اثر بی‌معنی بر رشد دارد.

جدول (۴) رگرسیون‌های OLS متغیر وابسته نرخ رشد GDP سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۱

	OLS		TSLs		OLS		TSLs	
	Beta	Tstat	Beta	Tstat	Beta	Tstat	Beta	Tstat
جزء ثابت	-۱/۰۰	-۳/۲۰	-۰/۹۵	-۲/۳۰	-۱/۳۳	-۳/۴۲	-۱/۳۳	-۲/۷۹
Enf	۱/۱۰	۳/۰۴	۱/۰۷	۲/۸۷	۱/۱۴	۳/۲۲	۱/۱۳	۳/۱۲
Dp00p91	-۲/۷۲	-۲/۰۸	-۳/۱۲	-۲/۰۵	-۲/۰۰	-۲/۳۲	-۳/۱۰	-۲/۰۹
Privi00	۰/۲۴	۱/۸۱	۰/۲۵	۱/۶۴	۰/۲۷	۲/۰۷	۰/۲۸	۱/۸۲
PCInst					۰/۰۳	۱/۳۷	۰/۰۳	۱/۳۸
R-Squared		%۵۷۴		%۵۶۱		%۶۰/۵		%۶۰/۵
Adj R-Squared		%۴۹/۵		%۴۹/۲		%۵۱/۷		%۵۱/۷
N		۲۳		۲۳		۲۳		۲۳

متغیرهای ایزاری: Def and Trdist, Indst, Blkpr, Years

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

رشد، شرایط اولیه، قانون و سرعت خصوصی سازی در...

ضمیمه A: داده‌ها

جدول A.1. داده‌های رگرسیون

کشورها	رشد	Enf	Dp00p91	Priv100	PCIinst
آلبانی	۰/۰۹۰۸	۰/۳۵۸	۰/۱۵	۳	۱۰/۸
ارمنستان	-۰/۳۵۲۴	۰/۵۱۲	۰/۲۱۵	۳/۱۵	۹/۸
آذربایجان	-۰/۵۶۰۴	۰/۴۴۹	۰/۱۵	۲/۵	۱۱/۵
بیلوروس	-۰/۱۰۹۸	۰/۴۱۳	۰/۰۵	۱/۵	۷/۵
بلغارستان	-۰/۲۴۴۶	۰/۵۱۲	۰/۳۷	۳/۷	۹/۱
کرواسی	-۰/۱۷۲۰	۰/۶۲۷	۰/۱۶۵	۳/۶۵	۹/۴
جمهوری چک	۰/۰۳۱۸	۰/۴۰۱	۰/۲۱۵	۴/۱۵	۸/۸
استونی	-۰/۱۰۷۶	۰/۶۱۴	۰/۳۱۵	۴/۱۵	۹/۲
گرجستان	-۱/۰۹۹۶	۰/۳۰۵	۰/۳۶۵	۳/۶۵	۵/۳
مجارستان	۰/۰۷۹۷	۰/۷۷۲	۰/۲۶۵	۴/۱۵	۵/۸
قزاقستان	-۰/۲۵۱۰	۰/۳۲	۰/۲۵	۳/۵	۱۱/۷
جمهوری قرقیزستان	-۰/۳۰۷۹	۰/۲۹۵	۰/۲۵	۳/۵	۱۱/۳
لاتویا	-۰/۳۶۹۶	۰/۳۵۴	۰/۲۶۵	۳/۶۵	۱۰/۴
لیتوانی	-۰/۳۵۸۱	۰/۳۳۳	۰/۲۶۵	۳/۶۵	۸/۹
مقدونیه	-۰/۲۴۵۹	۰/۴۸۵	۰/۱۵	۳/۵	۸/۱
مولداری	-۱/۰۲۱۷	۰/۱۸۱	۰/۲۱۵	۳/۱۵	۷/۸
لهستان	۰/۲۴۷۶	۰/۶۱۷	۰/۱۳	۳/۸	۷/۲
رومانی	-۰/۱۸۰۳	۰/۴۳۲	۰/۲	۳/۳۵	۷/۴
روسیه	-۰/۳۹۶۰	۰/۲۰۸	۰/۲۶۵	۳/۶۵	۴/۸
جمهوری اسلواکی	۰/۰۶۰۲	۰/۵۵۸	۰/۲۱۵	۴/۱۵	۵/۸
اسلونی	۰/۱۲۸۴	۰/۶۳۴	۰/۱۸	۳/۸	۵/۸
اوکراین	-۰/۷۸۹۷	۰/۲۵۴	۰/۲	۳	۵/۴
ازبکستان	۰/۰۱۹۸	۰/۷۴۴	۰/۱۸۵	۲/۸۵	۵/۴

نکته: برای تعریف و منابع نگاه کنید به جدول در متن.

جدول A2. شرایط اولیه نهادی

Civsoc8991	Buroqual8991	Rulelaw8991	Transacc8991	کشورها
۰/۰۰	۳/۳۳	۷/۰۰	۸/۰۰	البانی
۰/۰۰	۱/۶۷	۷/۰۰	۷/۷۰	ارمنستان
۱/۶۷	۵/۰۰	۷/۰۰	۷/۵۰	آذربایجان
۰/۰۰	۰/۸۳	۷/۰۰	۵/۰۰	بیلوروس
۰/۰۰	۲/۵۰	۶/۶۷	۶/۵۰	بلغارستان
۳/۳۳	۳/۳۳	۶/۰۰	۶/۰۰	کرواسی
۰/۰۰	۳/۳۳	۴/۰۰	۷/۵۰	جمهوری چک
۰/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۰	۸/۰۰	استونی
۰/۰۰	۱/۶۷	۳/۰۰	۴/۵۰	گرجستان
۰/۰۰	۰/۸۳	۲/۰۰	۶/۵۰	مجارستان
۵/۰۰	۲/۵۰	۸/۳۳	۷/۷۰	قزاقستان
۵/۰۰	۱/۶۷	۸/۳۳	۷/۷۰	جمهوری لیتوانی
۵/۰۰	۱/۶۷	۶/۷۰	۷/۷۰	لاتویا
۱/۶۷	۰/۸۳	۶/۷۰	۷/۰۰	لیتوانی
۳/۳۳	۰/۸۳	۵/۰۰	۶/۷۵	مقدونیه
۱/۶۷	۱/۶۷	۴/۶۷	۵/۰۰	مولداوی
۱/۶۷	۰/۸۳	۴/۶۷	۵/۰۰	لهستان
۱/۶۷	۰/۸۳	۳/۰۰	۸/۰۰	رومانی
۰/۰۰	۰/۸۳	۲/۰۰	۵/۲۵	روسیه
۱/۶۷	۰/۸۳	۲/۰۰	۵/۲۵	جمهوری اسلواکی
۱/۶۷	۰/۸۳	۲/۰۰	۵/۲۵	اسلونی
۳/۳۳	۰/۸۳	۲/۰۰	۵/۲۵	وکراین
۳/۳۳	۰/۸۳	۲/۰۰	۵/۲۵	زیکستان

ته: برای تعریف و منابع نگاه کنید به جدول ۱ در متن

رشد، شرایط اولیه، قانون و سرعت خصوصی سازی در ... ۲۰۲

جدول A3. متغیرهای ابزاری

کشورها	سالهای برنامه‌ریزی متمرکز	هزینه‌های دفاعی (درصدی از GDP)	اختلال ساختار صنعتی	اختلال‌های تجاری	حق بیمه بازار سیاه
آلبانی	۴۷	۵/۳	۱۲/۳	۲۷/۳	۴۳/۴
ارمنستان	۷۱	۱۴/۶	۲۳/۳	۴۲/۸	۱۸۲/۸
آذربایجان	۷۰	۴/۳	۲۳/۳	۲۵/۲	۱۸۲/۸
بیلوروس	۷۲	۱۱/۲	۲۸/۳	۲۴/۲	۱۸۲/۸
بلغارستان	۴۳	۱۴/۱	۲۷/۳	۱۳	۹۲/۱
کرواسی	۴۶	۳/۷	۱۲/۳	۱۹/۵	۲/۷
جمهوری چک	۴۲	۸/۲	۱۹/۲	۸/۵	۱۸/۵
استونی	۵۱	۱/۹	۲۱/۳	۵۲/۸	۱۸۲/۸
گرجستان	۷۰	۴/۱	۶/۱	۳۳/۲	۱۸۲/۸
مجارستان	۴۲	۷/۲	۷/۳	۲/۶	۴/۶۷
قزاقستان	۷۱	۵/۲	۲۰/۳	۲۸/۸	۱۸۲/۸
جمهوری قرقیزستان	۷۱	۸/۹	۱۹/۴	۳۳	۱۸۲/۸
لاتویا	۵۱	۹/۵	۲۱/۳	۴۱/۴	۱۸۲/۸
لیتوانی	۵۱	۷/۵	۲۳/۹	۴۲	۱۸۲/۸
مقدونیه	۴۷	۳/۷	۱۲/۳	۷/۵	۲/۷
مولدووی	۵۱	۴/۴	۲۶/۳	۴۲/۲	۱۸۲/۸
لهستان	۴۱	۸/۱	۲۲/۳	۲۰/۸	۲۷/۷
رومانی	۴۲	۴/۵	۳۰/۳	۱۶/۱	۷۲/۸
روسیه	۷۴	۱۵/۳	۱۴/۹	۱۷/۸	۱۸۲/۸
جمهوری اسلواکی	۴۲	۸/۲	۱۹/۲	۳۶/۳	۱۸/۵
اسلوونی	۴۶	۳/۷	۴/۲	۱۷/۳	۲/۷
اوکراین	۷۴	۱۴/۸	۲۲/۳	۲۹/۷	۱۸۲/۸
ازبکستان	۷۱	۵/۶	۲۱/۴	۲۸/۷	۱۸۲/۸

نکته: برای تعاریف و منابع به جدول ۱ در متن نگاه کنید.

ضمیمه B: برآوردها حداقل مربعات سه مرحله‌ای

نتایج برآوردهای حداقل مربعات معمولی سه مرحله‌ای برای مدل

جدول B1. رگرسیون‌ها THPLP

		پانل ۱: متغیر وابسته Gr							
		ثابت	Enf	Dp00p91	Privi00	PCInst			
Beta		-۱/۳۲۹۱	۱/۰۹۵۹	-۳/۱۹۶۱	۰/۲۹۲۰	۰/۰۳۰۷			
Tstat		-۲/۸۶	۳/۵۰	-۲/۸۰	۲/۵۲	۱/۴۹			
R-Squared		۰/۸۰۴۴							
Adj R - Squared		۰/۵۱۶۴							
		پانل ۲: متغیر وابسته Dp00p91							
		Constant	Gr	Privi00	Years	Blkpr	Def	Indst	Trdist
Beta		-۰/۱۲۵۵	-۰/۰۰۶۹	۰/۱۰۰۱	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۴	-۰/۰۰۰۸	-۰/۰۰۱۰
Tstat		-۲/۲۰	-۰/۴۶	۱۳/۹۷	-۱/۶۴	۵/۳۲	۰/۳۹	-۰/۹۶	-۲/۲۰
R - Squared		۰/۸۹۸۵							
Adj R - Squared		۰/۸۵۱۱							
		پانل ۳: متغیر وابسته Privi00							
		Constant	Gr	Dp00p91	Years	Blkpr	Def	Indst	Trdist
Beta		۳/۱۸۳	۰/۰۷۱۳	۹/۸۲۷۵	۰/۰۱۰۸	-۰/۰۰۷۹	-۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۷۳	۰/۰۱۰۲
Tstat		۲/۶۵	۰/۴۹	۱۳/۹۷	۱/۴۵	-۴/۶۲	-۰/۳۳	۰/۸۴	۲/۲۰
R - Squared		۰/۸۹۸۵							
Adj R - Squared		۰/۸۵۱۱							
		پانل ۴: ماتریس ضرایب جملات خطای رگرسیون‌ها بالا							
		Gr - reg	Dp00p91 - reg	Privi00 - reg					
Gr - reg		۱							
Dp00p91 - reg		۰/۰۷۲۶	۱						
Privi00 - reg		۰/۰۷۷۶	-۰/۸۸۹۷	۱					

۱. این نکته ممکن است مورد بحث قرار گیرد که زمانی که (۱) ما برای نقطه پایان متغیر کنترل وارد مدل می کنیم و (۲) کشورهای با رشد بالاتر با شاخص خصوصی سازی بالاتر در (۱۹۹۱) وجود دارند (بیشتر کشورهای اروپای شرقی)، ضریب سرعت باید منفی باشد. به منظور شناسایی این مفهوم ما دو رگرسیون اضافی برآورد کرده ایم: اول، ما فقط سرعت خصوصی سازی را وارد مدل کردیم، دوم، ما به رگرسیون سوم در جدول ۳ متغیر سطح خصوصی سازی سال ۱۹۹۱ را اضافه کردیم و سطح خصوصی سازی نهایی را با سطح آن در سال ۱۹۹۵ جایگزین کردیم. این متغیر یک سازگاری میان یک پراکسی خوب برای سطح خصوصی سازی نهایی (همبستگی ۰.۶۷٪) و اجتناب از مشکل هم خطی (شامل متغیرهایی که معیار سطح خصوصی سازی نزدیک تر در سال ۲۰۰۰ به دلیل هم خطی همه ضرایب را بی معنی می سازد) ایجاد کرد. نتایج مدل به شرح زیر است:

		جزء ثابت		D PPP91	
BETA		۰/۰۶		-۱/۴۹	
TSTATC		(۰/۲۱)		(-۱/۲۲)	
R		۰/۰۶۶			
R تعدیل شده		۰/۰۲۲۰			
	جزء ثابت	Enf	Dppop91	Privi91	Privi95
Beta	-۰/۹۲۵	۱/۰۷۳	-۲/۱۷۷	۰/۰۰۵	۰/۲۱۴
Tstat	(-۲/۱۷)	(۲/۲۱)	(-۱/۷۳)	(۰/۰۳)	(۲/۰۴)
R	۰/۶۴۵۸				
R	۰/۵۶۷۱				

در رگرسیون اول ضریب سرعت خصوصی سازی هنوز منفی است و این نشان می دهد که متغیر معیار سرعت خصوصی سازی بدون کنترل برای نقطه پایان یک علامت منفی دارد. - در رگرسیون دوم ضریب سطح شرایط اولیه بی معنا و متغیرهای دیگر همان گونه بوده و معنادار هستند. در تحلیل بعدی ما سطح خصوصی سال ۱۹۹۱ را وارد نمی کنیم. ما سعی کردیم روش های دیگر شناسایی نقش سرعت در گذار را نیز پیدا کنیم، مانند نگاه مؤثر در نسبت تغییراتی که در سال های اولیه رخ می دهد. این نتایج با آنچه که در

این گزارش آمده سازگار هستند. کشورهایی که سریع تر خصوصی سازی را انجام دادند، فقیرتر شدند.

۲. یک متغیر مهم که ما آن را در تحلیل خود به عنوان یک پراکسی اقتصاد کلان به کار گرفته ایم، تورم است که به مدل اضافه شده است (نگاه کنید به پویوف ۲۰۰۰، که برای مقاله دیگری متغیری مشابه را به کار برده است). ما به طور خاص لگاریتم تغییر انباشته در شاخص قیمت مصرف کننده بین سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ را مورد استفاده قرار می دهیم، نتایج به شرح زیر است:

	جزء ثابت	INF9094
Beta	-۰/۱۴	-۰/۰۲
Tstal	-۰/۹۵	-۰/۹۲
R	۰/۰۳۹۱	
R تعدیل شده	-۰/۰۰۶۷	

	جزو ثابت	ENF	OPOOP91		PCLINST	INF9094
Beta	-۱/۲۴	۱/۱۱	-۲/۹۰	۰/۲۸	۰/۰۲	-۰/۰۱
Tstat	(-۲/۶۶)	۲/۹۹	-۲/۱۴	۲/۰۵	۰/۷۳	-۰/۳۸
R	۰/۶۰۸۴					
R تعدیل شده	۰/۴۹۳۳					

ضریب متغیر تورم معنادار نیست، بنابراین ما آن را از تحلیل رگرسیون کنار گذاشتیم (نتیجه بیان می کند که کشورهایی که در کاهش سریع تورم در سال های اولیه موفق بودند، برای شان در سال های آغازین گذار، اتفاقی بهتر از آنهایی که در بلندمدت این کار را انجام ندادند، رخ نداد).

۳. هایی و مورل (۱۹۹۹) شق دوم امکان برون زایی میان متغیرهای سیاست (سرعت و سطح) و نرخ رشد را ذکر کرده اند. این احتمال وجود دارد که متغیرهای اضافی در برآورد حاصل از این دو متغیر حذف شده باشد. برای مثال، فاصله با بروکسل یک متغیر جالب است، که ممکن است حذف شده باشد. کشورهای نزدیک تر به بروکسل

ممکن است اصلاحات را سریع تر انجام دهند و سریع تر رشد کنند، به دلیل اینکه آنها از شانس بیشتری برای عضویت در اتحادیه اروپا برخوردار هستند (این دسترسی به اتحادیه اروپا در واقع برای برخی کشورها حاضر در نمونه ما اتفاق افتاده است). برای اجتناب از این مسئله، لازم است برآوردهای حداقل مربعات سه مرحله‌ای (THSLS) به کار گرفته شوند. این برآوردها در ضمیمه B نشان داده شده‌اند. براساس این نتایج، ما شواهدی مبنی بر این منبع برون‌زایی پیدا نکردیم. در رگرسیون‌های سطح سیاست و سرعت سیاست ضریب رشد بی‌معنی است (نگاه کنید پانل ۲ و ۳ از جدول B_1 در ضمیمه B). علاوه بر این، برآوردهای THSLS رگرسیون رشد، بیش از اندازه به OLS شبیه هستند (مقایسه کنید جدول B_1 پانل ۱ با جدول ۳ و جدول ۴ در متن). به عبارت دیگر همبستگی میان جملات خطای رگرسیون رشد و رگرسیون‌ها DPOOP91 و Privioo (متغیرهای سیاست) بسیار پایین هستند (نگاه کنید جدول B_1 ، پانل ۴ در ضمیمه B). یک همبستگی شدید میان جملات خطا، یک نشانه مشکل متغیر سوم حذف شده است. ضمناً، همبستگی میان جملات خطای رگرسیون‌های DPOOP91 و Privioo بالاست، به دلیل روشی که این متغیرها ساخته شده‌اند. سرانجام، به نظر می‌رسد نتایج ما متفاوت از نتایج هایی و مورل (۱۹۹۹) است. ما قبلاً توضیح دادیم، که این تفاوت می‌تواند به یک نمونه کوچک‌تر، با عدم کنترل برای متغیرهای نهادی و استفاده آنها از معیارهای آزادسازی دی ملو (۱۹۹۶) منسوب شود.

۴. بنابراین، خصوصی سازی نه تنها می‌تواند از طریق منافع مورد انتظار، بر کارایی بنگاه‌های خصوصی تأثیرگذار باشد، بلکه از طریق کانال‌های دیگر نیز می‌تواند بر رشد اثر بگذارد. ما قبلاً چند کانال را معرفی کردیم. تشویق به توسعه بازار مالی، کانال غیرمستقیم دیگر روش تأثیرگذاری خصوصی سازی بر رشد است، در حقیقت خصوصی سازی ممکن است دارایی‌های فیزیکی و انسانی را آزاد کند، به گونه‌ای که بتوانند در بنگاه‌های *denovo* به استخدام درآیند. نگاه کنید به Earle and Estrin (1999) and Havrylyshyn and McGettigan (1997). در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار بیکاری پنهان گسترده‌ای، هم برای نیروی کار ماهر و هم غیرماهر وجود دارد، نبود فرصت شغلی از مهاجرت سنگین مشهود است. بنابراین، در این کشورها دلیل کوچکی برای این اعتقاد وجود دارد که این کانال یک نقش مهمی بازی می‌کند.